



Interdisciplinary Legal Research

Jul 2021, 3(1): 1-12

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

An Analysis of Islamic Religions' Views on the Punishment of Adultery

Mahrokh Allahyari¹  Ali Faghihi^{*2}, Akbar Fallah³

Received:

14 Feb 2022

Revised:

08 Mar 2022

Accepted:

12 Mar 2022

Available Online:

01 Apr 2022

Abstract

Background and Aim: One of the most essential social issues is the implementation of Islamic legal rulings, including Hudud. Considering the problem of adultery in today's society and the existence of differences in jurisprudential opinions of Islamic religions, the question arises about how Islamic religions have any consensus or disagreements in the types of the limits of adultery?

Materials and Methods: In this paper, the researcher has stated the types of hadd of adultery among five religions through library study method and then has adapted its evidences between them.

Ethical Considerations: All ethical considerations related to writing article have been observed.

Findings: According to the characteristics of the criminal, for adulterers in Imami penal jurisprudence, eight types of hadd and in the eyes of Sunnis, generally two types of murder, fennel and stoning have been mentioned, which in addition to these two main punishments, exile of the criminal or imprisonment have also been applied in proportion to the type of crime and fatwas of his jurists.

Conclusion: Despite disagreements among religions, fatwas of Imami and Sunni jurists do not have a general disagreement, but in most cases there is consensus.

Keywords:

Punishment,
Adultery,
Islamic Religions.

1 PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2* Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. (Corresponding Author)

Email: Faghihi2021@yahoo.com Phone: +989111125032

3 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Please Cite This Article As: Allahyari, M; Faghihi, A & Fallah, A (2022). "An Analysis of Islamic Religions' Views on the Punishment of Adultery". *Interdisciplinary Legal Research*, 3 (1): 1-12.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۲)

واکاوی دیدگاه مذاهب اسلامی در خصوص مجازات زنا

ماهرخ الهیاری^۱، علی فقیهی^{۲*}، اکبر فلاح^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

Email: Faghihi2021@yahoo.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی، اجرای احکام حقوقی اسلام از جمله حدود است؛ با توجه به مبتلابه بودن مسأله زنا در جامعه امروزی و وجود اختلافات در آرای فقهی مذاهب اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که مذاهب اسلامی در انواع حد زنا از چه نظر اتفاق یا اختلاف نظر دارند؟

مواد و روش‌ها: در این مقاله محقق با روش مطالعه کتابخانه‌ای انواع حد زنا را بین مذاهب خمسہ بیان کرده و سپس به تطبیق ادله آن پرداخته است. **ملاحظات اخلاقی:** تمامی اصول اخلاقی در مراحل نگارش پژوهش حاضر، رعایت شده است.

یافته‌ها: با توجه به خصوصیات مجرم، برای زناکار در فقه جزایی امامیه هشت نوع حد و در نزد اهل سنت، به‌طور کلی دو قسم قتل، تازیانه و سنگسار مطرح شده که گاهی علاوه بر این دو مجازات اصلی، تبعید مجرم یا حبس نیز به تناسب نوع جرم و فتاوای فقهای ایشان اعمال شده است. **نتیجه‌گیری:** با وجود اختلاف نظر بین مذاهب، فتاوای فقهای امامیه و اهل سنت تباین کلی نداشته، بلکه در بیشتر موارد اتفاق نظر وجود دارد.

کلمات کلیدی: مجازات، زنا، مذاهب اسلامی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

ارتکاب زنا در وضع جامعه و از طریق آن در وضع افراد اثر می‌گذارد و باعث نوعی فساد در سازمان اجتماعی می‌شود. گناه و کار خلاف و قانون‌شکنی، همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان تأثیر نامطلوب گذاشته و انسان گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود. طبق فرمایش پیغمبر گرامی اسلام (ص) «زنا صفا و نورانیت را از انسان می‌گیرد، و فقر را به ارث می‌گذارد (یعنی باعث فقر می‌شود) زیرا انسان را بی‌آبرو کرده و موجب می‌شود، خداوند، روزی او را قطع نماید و تسریع در نابودی انسان‌ها می‌کند.»^۱ (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴: ۲۱/۴)

زنا و عمل منافعی عفت یکی از گناهان کبیره است که در قرآن به آن اشاره شده چراکه موجب پیدایش هرج و مرج در نظام خانواده و از میان رفتن رابطه فرزندان و پدران، رابطه‌ای که وجودش نه تنها سبب شناخت اجتماعی است، بلکه موجب حمایت کامل از فرزندان می‌گردد می‌شود.

در جامعه‌ای که فرزندان نامشروع و بی‌پدر فراوان گردند، روابط اجتماعی که بر پایه روابط خانوادگی بنیان شده سخت دچار تزلزل می‌گردد. چنانچه زنا در کل جامعه انسانی مجاز گردد و ازدواج برچیده شود، فرزندان بی‌هویتی که در چنین شرایطی متولد شوند تحت پوشش حمایت کسی نیستند، نه در آغاز تولد و نه به هنگام بزرگ شدن. از این گذشته از عنصر محبت که نقش تعیین کننده‌ای در مبارزه با جنایت‌ها و خشونت‌ها دارد محروم می‌شوند، و جامعه انسانی به یک جامعه کاملاً حیوانی توأم با خشونت در همه ابعاد، تبدیل می‌گردد.

این عمل ننگین سبب انواع برخوردها و کشمکش‌های فردی و اجتماعی در میان هوس‌بازان است. این یک واقعیت است

که در کنار انحرافات جنسی بدترین جنایات رخ می‌دهد. تجربه نشان داده و علم ثابت کرده است که این عمل باعث اشاعه انواع بیماری‌ها است و با تمام تشکیلاتی که برای مبارزه با عواقب و آثار آن امروز فراهم کرده‌اند، باز آمار نشان می‌دهد که تا چه اندازه افراد از این راه سلامت خود را از دست داده و می‌دهند.

پيامد زنا غالباً سقط جنین و کشتن فرزندان است که موجب قطع نسل می‌گردد، چرا که چنین زناني هرگز حاضر به نگهداري این گونه فرزندان نیستند و اصولاً وجود فرزند مانع بزرگی بر سر راه ادامه اعمال شوم آنان خواهد بود، لذا همیشه سعی می‌کنند آنها را از میان ببرند. مسلم است که پرورش فرزندان بی‌پدر و مادری که به این صورت متولد شده‌اند چقدر مشکلات دارد و ثمر و حاصل چنین رابطه‌ای، فرزندان سنگدل، جنایت‌کار، بی‌شخصیت و فاقد همه چیز خواهد بود. حتی نگهداری و تربیت صحیح چنین فرزندان در مؤسساتی زیر نظر دولت دور از انتظار است.

هدف از ازدواج تنها مسأله اشباع غریزه جنسی نیست، بلکه اشتراک در تشکیل زندگی، انس روحی و آرامش فکری، تربیت فرزندان و همکاری در همه شؤون حیات از آثار ازدواج است که بدون اختصاص زن و مرد به یک دیگر و تحریم زنا هیچ یک امکان‌پذیر نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۴/۱۲)

۲- روش تحقیق

این پژوهش بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای بین کتب معتبر مذاهب اسلامی و مقاله‌های مرتبط با موضوع و با روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است.

بحث و نظر

فقه‌های امامیه در انواع حد زنا به هشت نوع حد (قتل، جلد، رجم یا جمع جلد و رجم، جلد و تغریب و جز، حد مریض، حد بنده، حد مبعوض، حد و کیفر زائد) قائل شدند. برخی از فقه‌های شافعی، با توجه به خصوصیات مجرم، دو قسم مجازات اصلی

^۱ - أَنْ الرَّزِي يُسَوِّدُ الْوَجْهَ وَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ يَنْتُرُ الْعُمَرَ وَ يَقَطَعُ الرَّزْقَ وَ يَنْدَهَبُ بِالنِّهَاءِ وَ يَقْرَبُ السَّخَطَ وَ صَاحِبُهُ مَخْذُولٌ مَشْتُومٌ.

پسر]، هم با شمشیر کشته می‌شود یا نه؟ گفته شده بلی و همچنین گفته شده غیر محصن اول تازیانه می‌خورد و بعد کشته می‌شود و اگر محصن باشد اول تازیانه می‌خورد و بعد سنگسار می‌شود به اقتضای ادله، قول اول یعنی قتل با شمشیر اظهر است. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۱/۴) این قول (وجوب قتل) در صورت زنا با محارم، فتوای فقهای متقدم امامیه و اکثر فقهای متأخر (جبعی عاملی، بی‌تا: ۶۰/۱۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۳/۷؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۱۸۸/۱) است.

آنچه در این نوع از حد منجر به اختلاف نظر بین فقهای امامیه شده، مردد بودن در الحاق خواهر رضاعی و محارم سببی مانند همسر پدر و مادر همسر، به محارم نسبی است. عده‌ای از فقها محارم رضاعی و سببی را به محارم نسبی ملحق کرده و در ادامه گفته‌اند در صورتی که زانی با ضربه شمشیر نمیرد حبس ابد می‌شود. (حلی هذلی، ۱۴۰۵: ۵۴۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۴۷/۳؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۹/۲)

در ارتباط با قتل با شمشیر بعضی از فقها ضربه زدن بر گردن را بیان کرده‌اند و اکثرشان فقط به طور مطلق از کشته شدن زانی سخن گفته‌اند و کیفیت آن را بیان نکرده‌اند. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۰۵/۱) آنچه در مستدرک از احمد بن محمد بن عیسی، عن ابي بصير از امام صادق علیه‌السلام روایت شد، که فرمود: کسی که با محرم خودش زنا کند، یک ضربه شمشیر زده می‌شود، خواه با آن ضربه بمیرد یا زنده بماند. (طبرسی، ۱۴۰۷: ۵۹/۱۸) با توجه به روایاتی که فقهای عامه به آنها استناد کرده‌اند مشخص می‌شود بعضی از فقها ایشان در زنا با محارم به حد قتل قائل شده‌اند.

می‌توان گفت در هر مسأله‌ای که بین فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد، میان فقهای اهل سنت نیز اختلاف نظر وجود دارد. مخصوصاً مواردی که یا در قرآن در ارتباط با آن موردی نیامده یا این که اطلاق در آیه و روایات منجر به چنین برداشت‌هایی میان فقها شده است. آن دسته از فقهای اهل سنت که در زنا با محارم به حد قتل قائل شده‌اند به روایت

(جلد و رجم) برای زناکار مطرح کرده‌اند که گاهی علاوه بر این دو مجازات اصلی، تبعید مجرم یا حبس نیز مطرح و به تناسب نوع جرم و براساس فتاوی فقهای اهل سنت اعمال می‌شود. (کاسانی، ۱۴۰۹: ۲۴۹/۷)

ابن رشد از فقهای اهل سنت گفته است: «الحدود الإسلامية ثلاثة: رجم و جلد و تعریب» (قرطبی، ۱۴۱۵: ۴۳۴/۲) حدود اسلامی سه نوع است: سنگسار و تازیانه و تبعید. ظاهراً قتل نزد ایشان حد برای زنا بیان نشده است.

زنا در شریعت اسلامی سه نوع مجازات دارد: تازیانه، تبعید، سنگسار. تازیانه و تبعید باهم مجازات زانی غیر محصن است که سنگسار مجازات زانی محصن بوده و زمانی که زن و مرد هردو غیر محصن باشند تازیانه خورده و تبعید می‌شوند؛ اگر هردو محصن باشند سنگسار می‌شوند؛ اگر یکی محصن و دیگری غیر محصن باشد، اولی سنگسار و دومی تازیانه خورده و تبعید می‌شود.

ممکن است مقصود فقهای اهل سنت از مطرح کردن سه نوع مجازات برای زنا، بیان اتفاق نظر بین فقهایشان باشد. چون عده‌ای از فقهای ایشان هم مانند فقهای امامیه در زنا با محارم قائل به وجوب قتل شده‌اند.

بین فقهای امامیه حد قتل با شمشیر در سه صورت بر زناکار اقامه می‌شود که هر یک جداگانه بررسی می‌شود. بین فقهای اهل سنت در این نوع مجازات اختلاف نظر وجود دارد.

۱- حد قتل

۱-۱- زنا با محارم

مرحوم محقق در شرایع گفته است: مجازات قتل بر کسی که با محارمش مانند مادر، دختر و مانند آن زنا کرده است واجب می‌شود. در این مواضع احصان شرط نبوده بلکه در هر حال، زناکار کشته می‌شود بدون این که تفاوتی بین پیر یا جوان باشد، همچنین در این صورت آزاد و بنده و مسلمان و کافر مساوی هستند. در مورد اینکه در صورت زنا با همسر پدر [یا

زنا جاری می‌شود. در میان آن‌ها فقط ابوحنیفه گفته حدی برای آن وجود ندارد. برخی از آن‌ها گفته‌اند: هیچ حدی برای هریک از آن‌ها وجود ندارد که این گفته اول ابو یوسف است. سپس او از قولش رجوع کرده و گفته بر هر کدام از آن‌ها حد ثابت است. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۵۶ / ۵)

احمد حصری که یکی از شرایط اثبات حد را مسلمان بودن می‌داند از قول ربیعہ گفته است: ذمی زمانی که با مسلمان زنا می‌کند عهد خود را نقض کرده است. بنابراین در صورت زنا به اکراه با زن آزاد مسلمان کشته می‌شود، چون عهد خود را شکسته است و در مورد زنا با اکراه با کنیز اختلاف نظر وجود دارد. (حصری، ۱۴۱۳: ۳۹/۲) از ظاهر سخنان فقهای اهل سنت چنین برداشت می‌شود که اگر کافر ذمی با رضایت زن مسلمان مرتکب زنا شود دیگر حد قتل بر کافر ذمی ثابت نمی‌شود ولی به احتمال قوی حد زنا بر او ثابت می‌شود.

۱-۳- زنا با کافر ذمی با زن ذمی

اکثر فقهای امامیه با استناد به آیات و روایات گفته‌اند: در صورتی که کافر ذمی با زن ذمی زنا کند، امام مخیر است که حد شرع اسلام را بر آن‌ها اقامه کند یا آنان را به اهل دین خودشان تسلیم کند تا بر اساس اعتقاد خودشان مجازات شوند. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۳/۴؛ نجفی، ۱۴۰۵: ۳۳۶/۴۱؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۱۸۷/۱؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۶۹۶؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۴۵/۳؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۵؛ حلی هذلی، ۱۴۰۵: ۵۵۰؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۵۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۷۴/۲؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۳۷۵/۱۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۰۸/۱)

بین فقهای اهل سنت در اقامه حد بر کافر ذمی اختلاف نظر وجود دارد. از نظر ابو حنیفه و بر اهل ذمه حد زنا اقامه نمی‌شود. چون ایشان اسلام را شرط تحقق احسان دانسته، به همین دلیل یک غیرمسلمان هرگز با سنگسار مجازات نمی‌شود. امام شافعی و حنبلی و پیروانشان گفته‌اند: بر کافر ذمی در هر صورت حد زنا اقامه می‌شود. در صورتی که زنا بر

عکرمه از ابن عباس استناد کرده‌اند که گفت رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که با محارم زنا کند کشته می‌شود.» (قزوینی، ۱۳۹۹: ۸۵۶/۲؛ ترمذی، بی‌تا: ۵۱/۴؛ بیهقی، ۱۳۵۴: ۲۳۷/۸)

از نظر اکثر فقهای اهل سنت کسی که با محارم (نسبی، سببی و رضاعی) خود مرتکب زنا می‌شود، حد زنا بر او اقامه می‌شود، بنابراین زانی در صورتی که محصن باشد اول تازیانه می‌خورد و بعد سنگسار می‌شود و اگر غیر محصن باشد اول تازیانه می‌خورد و بعد تبعید می‌شود.

همچنین از احمد روایت شده است که وی به هر صورت کشته می‌شود و به این ترتیب جبیر بن زید، اسحاق، ابو ایوب و ابن خثیمه گفته‌اند: کسی که با زن پدر خود چه با عقد یا چه بدون عقد زنا کند، کشته می‌شود، چه محصن باشد چه غیر محصن، و دیه‌اش را از بیت المال می‌پردازند، خواه زن کنیز باشد یا آزاد، چه قبلا با پدرش نزدیکی کرده یا نکرده باشد. اما در صورت زنا با سایر محارم سببی بر او فقط حد زنا جاری می‌شود. شاید دلیلش این است که در مورد زنا با همسر پدر، نص صریح وارد شده ولی در مورد سایر محارم نص صریحی وارد نشده است. (ابن قدامه، بی‌تا: ۱۵۴/۱۰؛ جزیری، ۱۴۰۶: ۹۹/۵)

۱-۲- زنا با کافر ذمی با زن مسلمان

بین اصحاب امامیه در مورد ثبوت حد قتل بر کافر ذمی در صورتی که مرتکب زنا با زن مسلمان شود، هیچ اختلافی وجود ندارد. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۲۱/۱) در هر صورت، محصن باشد یا غیر محصن، جوان باشد یا پیر، حد قتل بر او جاری می‌شود. حتی بعضی از فقهای شیعه بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. (حلبی، ۱۴۱۷: ۴۲۱؛ نجفی، ۱۴۰۵: ۳۱۳/۴۱)

از فتوای اکثر فقهای امامیه استفاده می‌شود که اگر برای ذمی حد قتل در زنا ثابت می‌شود به طریق اولی، این حکم شامل سایر کفار نیز می‌شود. از نظر فقهای اهل سنت اگر کافر حربی با زن مسلمان یا کافر ذمی مرتکب زنا شود، بر او حد

۲- حد سنگسار

مرحوم محقق حلی گفته است: «مجازات سنگسار (رجم) نسبت به مرد محسن و زن محسنه‌ای است که با شخص بالغ و عاقل زنا کنند. در این قول اختلافی بین فقها نیست، بلکه هر دو قسم اجماع محصل و منقول بر آن وجود دارد، بلکه اجماعات حکایت شده در این باب مانند روایات آن، مستفیض و یا متواتر است. پس این حکم مسلم و قطعی است.

اگر شخص زناکار پیرمرد و یا پیرزن باشند، ابتدا تازیانه خورده و سپس سنگسار می‌شوند. در این موضوع نیز اختلاف قابل توجهی نیست، بلکه هر دو قسم اجماع در مورد این حکم وجود دارد. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۲/۴)

در ثبوت حد رجم بر زانی و زانیه محسن هیچ اختلاف و اشکالی بین فقهای مذاهب خمسّه وجود ندارد که علاوه بر دلیل اجماع، که هر دو نوع اجماع بر آن دلالت دارد. روایات هم مورد استناد فقهای مذاهب خمسّه در این حکم بوده (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۳۶/۱) بلکه همچنین این فتوا مورد اتفاق مسلمین است. (جزیری، ۱۴۰۶: ۵۹/۵)

فقهای امامیه در این که بر زانی محسن فقط حد رجم ثابت می‌شود یا جلد و رجم باهم اختلاف نظر دارند. اکثر فقها بر زن و مرد زناکار پیر و سالخورده جلد و رجم و بر زانی جوان محسن فقط حد رجم قائل شده‌اند. (طوسی، ۱۳۹۰: ۶۹۳؛ حلی هذلی، ۱۴۰۵: ۵۵۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۶۳/۲؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۱۹۶/۱)

عده‌ای از فقهای امامیه جلد و رجم را مخصوص مرد و زن سالخورده محسن دانسته‌اند و جمعی دیگر از فقهای امامیه فقط به حد رجم برای زن و مرد زنا کار محسن قائل شده‌اند. دلیلشان آیه «الزانیة والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده» و روایت عباده بن الصامت از رسول الله (ص) است که در ارتباط با حد زانی بکر با بکر (صد تازیانه) و یتیب با یتیب (اول جلد و بعد رجم) وارد شده است همچنین روایت از امام علی

هر یک از کفار ذمی ثابت شد بر آنها حد اقامه می‌شود اگر ذمی محسن باشد بر او حد سنگسار اقامه می‌شود و در صورتی که بکر باشد بر او حد تازیانه همراه با تبعید از وطن به مدت یک‌سال به مسافتی که نماز را شکسته بخوانند جاری خواهد شد. دلیلشان روایت نافع از ابن عمر از رسول خدا (ص) است که روایت کرده که ایشان بر یهودی که زنا کرده بود حکم به رجم کرد که این معنی قول خداوند تبارک و تعالی به پیامبر (ص) است: «وان حکمت فاحکم بینهم بالقسط» (المائده/۴۲) و قوله تعالی: «وان احکم بینهم بما انزل الله» (المائده/۴۹) جایز است که بین آنها طبق احکام مسلمانان حکم شود برای این که حکم الهی بین تمام بندگانش واحد و غیر قابل تغییر است. (ابن قدامه، بی‌تا: ۲۰۰/۱۰؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۸۵/۹؛ جزیری، ۱۴۰۶: ۱۰۱/۵)

۱-۴- زناى به اكره

بدون هیچ اشکال و اختلافی بین فقهای امامیه، در صورت تحقق زناى به اكره با زن، بر زانی حد قتل ثابت می‌شود. فرقی هم بین محسن و غیر محسن نیست. بلکه هر دو قسم اجماع (محصل و منقول) بر آن دلالت دارد. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۱/۴؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۶۹۳؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۱۰؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۵۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۳۷/۳؛ حلی هذلی، ۱۴۰۵: ۵۴۹)

با توجه به اقوال فقها به نظر می‌رسد غصب فرج اعم از اكره است زیرا شامل زناى شخص در خواب و مست و بی‌هوش می‌شود که در این شرایط مسلوب الاختیار هستند. ملاحظه می‌شود که بین فقهای اهل سنت برخلاف فقهای امامیه در تعیین حد زناى به اكره اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آنان بین این نوع زنا و انواع دیگر تفاوتی قائل نشده‌اند و به حد زنا فتوا داده‌اند نه حد قتل؛ ولی عده‌ای دیگر در صورتی که زنا به اكره باشد به مجازات شدیدتری قائل شده‌اند. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۵۴/۹؛ جزیری، ۱۴۰۶: ۹۶/۵)

زناکار محصنی که با محصنه مرتکب زنا شود بیان فرموده است. این روایت از فقهای اهل سنت نقل شده که نزد امامیه اعتبار ندارد. (قزوینی، ۱۳۹۹: ۸۵۳/۲) و پوشیده نماند که این نظر فقهای اهل سنت است که جز قول پیامبر (ص) دلیل دیگری برای آن وجود ندارد.

اکثر فقهای مذاهب اربعه بین مجازات مرد جوان محصن و پیرمرد محصن تفاوت قائل نشده‌اند، اما در بحث مورد نظر در کتاب‌هایشان به جمع بین جلد و رجم در زانی محصن چه جوان و چه پیر نظر داده‌اند.

فقهای مالکی و شافعی و حنفی گفته‌اند: جمع تازیانه و سنگسار بر محصن جایز نیست، زیرا حد رجم، حد جلد را نسخ می‌کند و حد جلد، حد رجم را برمی‌دارد، و به دلیل این که حد اصغر که تازیانه است کمتر از حد اکبر سنگسار است و فایده مطلوب از آن که زجر کشیدن و قطع گناه است حاصل نمی‌شود، چراکه با اجرای هر دو حد جانی می‌میرد. فقهای حنبلی گفته‌اند: محصن روز اول تازیانه می‌خورد و روز دیگر سنگسار می‌شود. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۳۷/۹)

فرقه‌ای از اهل حدیث هم بین جوان محصن و پیر قائل به تفصیل شده‌اند که جمع دو حد را برای پیرمرد محصن و حد رجم تنها را برای جوان محصن دانسته‌اند. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۲/۹؛ جزیری، ۱۴۰۶: ۶۴/۵؛ قرطبی، ۱۴۱۵: ۴۳۵/۲)

۳-۱- زانی محصن با دختر نابالغ و محصنه با پسر نابالغ

بین فقهای امامیه در ثبوت رجم و عدم ثبوت آن در صورتی که مرد محصن با دختر نابالغ و یا زن محصنه با پسر نابالغ زنا کنند اختلاف نظر وجود دارد.

عده‌ای از فقهای امامیه در صورتی به عدم ثبوت رجم قائل شده‌اند که بر زانی محصن مجازات حد جلد کامل جاری شود، نه کمتر از صد تازیانه و نه بیشتر از آن. (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۳/۱۳) عده‌ای دیگر به ثبوت حد رجم بر مرد محصن و زن محصنه قائل شده‌اند. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۴۳/۳؛ جیبی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴/۳۶۶) بعضی از فقهای امامیه هم در

(ع) در مورد حد جلد و رجم در دو روز پنج شنبه و جمعه بر شراحه و اینکه طبق قرآن حد تازیانه و طبق سنت حد سنگسار بر او اقامه نمود. (قزوینی، ۱۳۹۹: ۸۴۷/۲) همه فقهای اسلام معتقدند که حد تازیانه با قرآن و حد رجم به وسیله سنت متواتره و اتفاق مسلمانان معین شده است. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۳۹/۱)

۳- جمع بین سنگسار و تازیانه

فقهای امامیه در این که بر زانی و زانیه مجازات جلد به تنهایی ثابت است یا جلد و رجم، با هم اختلاف نظر دارند. محل بحث اینجا است که آیا مجازات زانی و زانیه به طور مطلق (پیر و جوان محصن) یک نوع مجازات است (حد سنگسار) یا دو نوع مجازات باهم (جمع بین حد سنگسار و تازیانه، یا تفصیل بین زناکار محصن سالخورده و زناکار محصن جوان؟ در این مسأله چهار قول وجود دارد:

قول اول، مجازات سنگسار بدون تازیانه. این نظر اکثر فقها است. قول دوم، جمع بین سنگسار و تازیانه بدون تفصیل قائل شدن بین سالخورده و جوان، که این نظر مشهور فقهای امامیه است که به صراحت در کتاب‌هایشان به این نظر قائل شده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۲۲: ۳۱۷/۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۴۰/۳؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۵۴؛ مکی عاملی، ۱۴۱۰: ۲۵۴) قول سوم، تفصیل بین مجازات زناکار محصن سالخورده (جمع بین سنگسار و تازیانه) و مجازات زناکار جوان محصن (فقط سنگسار) است. شیخ طوسی و دیگر فقها نیز به این نظر قائل شده‌اند. (طوسی، ۱۳۹۰: ۶۹۳؛ حلی هذلی، ۱۴۰۵: ۵۵۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۶۳/۲) قول چهارم، فقط مجازات سنگسار. عده‌ای از فقها این مجازات را مخصوص زن محصنه دانسته‌اند که مرتکب زنا با غیر محصن شده است و جمع بین سنگسار و تازیانه را برای زناکاری که هر دو طرف محصن هستند. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴: ۴۲۸/۴) گفته شده پیامبر (ص) این حکم را برای

در صورتی که محصن و یا بکر نباشد بر اوفقاً یک‌صد تازیانه می‌زنند. (طوسی، ۱۳۹۰: ۶۹۴؛ عکبری بغدادی، ۱۴۱۳: ۷۸۰؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۵۵) ابن زهره بر این نظر ادعای اجماع کرده ولی تراشیدن موی سر را ذکر نکرده است. (حلی، ۱۴۱۷: ۴۲۳) و این رأی مورد قبول اکثر فقهای متقدم و متأخر و فقهای معاصر است. (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۶۴/۲)

عده‌ای از فقهای امامیه هم بر بکر-کسی که محصن نیست چه با زنی ازدواج کند و نزدیکی نکند و چه اصلاً ازدواج نکرده باشد- فقط صد ضربه تازیانه و یک‌سال تبعید را واجب دانسته‌اند همچنین تراشیدن موی سر و تبعید را بر زن بکر جایز ندانسته‌اند. به نظر می‌رسد میان فقها این دو مجازات مختص مردان است.

شیخ طوسی در خلاف گفته است که بکر زناکار غیر محصن است و هرگاه مرتکب زنا شود، حد او صد ضربه تازیانه و یک سال تبعید است ولی حد زن بکر فقط تازیانه است و تبعید نمی‌شود. (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۶۸/۵)

این نظر مالک و پیروانش و اوزاعی، ثوری، و ابن ابی لیلی، حنبلی و شافعی است. مالک گفته: «الحدّ هو الجلد فقط، و التّغریب لیس بحدّ و إنّما هو تعزیر الی اجتهاد الإمام و لیس بمقتدر، فإنّ رأی الحبس فعل، و إنّ رأی التّغریب الی بلد آخر» (طوسی ۱۴۱۱: ۳۶۸/۵) فقهای مذاهب اربعه همانطور که بیان شد تغریب (تبعید) را حد ندانسته و آن را تعزیر به‌شمار آورده‌اند که با رأی و نظر امام تعیین می‌شود و مقدارش هم معین نیست.

میان فقهای امامیه، مجازات تبعید مختص مردی است که ازدواج کرده ولی با همسرش نزدیکی نکرده است. در این صورت اگر زنا کند صد ضربه تازیانه می‌خورد و به مدت یک‌سال از وطنش تبعید می‌شود. هیچ اشکالی در این حکم میان فقها وجود ندارد. ولی در مورد ثبوت این مجازات برای زانیه بین آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد که قول مشهور فقها

دو فرض مذکور قائل به تفصیل شده‌اند یعنی برای زانی بالغ محصن در صورت زنا با دختر نابالغ حد رجم و برای زن محصنه در صورت زنا با پسر نابالغ حد جلد را ثابت دانسته‌اند که نظرساحب جواهر، امام خمینی، محقق خوئی و موسوی اردبیلی همین است.

دلیلی که فقها در عدم ثبوت حد رجم بر زانیه محصنه به آن استناد کرده‌اند صحیحه ابوبصیر از ابی عبدالله (ع) است که امام بر زنی که با پسر نابالغ زنا کرده بود حکم به حد جلد کرد نه حد رجم. اگر زن عاقل و بالغی با مرد دیوانه‌ای زنا کند، حد کامل، یعنی سنگسار بر او اجرا می‌شود، زیرا ادله اطلاق داشته، بلکه هیچ اختلافی بین فقها در این موضوع وجود ندارد. از بین فقها فقط یحیی بن سعید حلی با ثبوت حد رجم بر زن محصنه در این صورت مخالفت کرده و گفته است: «والعاقله إذا زنی بها المجنون أو الصبیّ تحدّ، ولم ترجم و إنّ أحصنت» (حلی هذلی، ۱۴۰۵: ۵۵۲)

در ثبوت حد کامل یعنی سنگسار در مورد مرد دیوانه تردید و اختلاف وجود دارد. عده‌ای از فقها به وجوب اجرای حد، حتی سنگسار قائل شده‌اند. البته اگر مرد محصن باشد نظر مشهور فقها این است که مرد دیوانه حتی تازیانه هم نمی‌خورد زیرا اصل عدم حد است، بلکه آنچه از طریق شیعه و سنی روایت شده آن است که حدی بر فرد دیوانه ثابت نیست و قلم تکلیف از او ساقط است.

۴- حد تازیانه و تبعید و تراشیدن سر

فقهای امامیه بر وجوب تازیانه و تبعید بر زانی بکر اتفاق نظر دارند بلکه اکثر فقهای امامیه تراشیدن مو را هم بر زانی واجب می‌دانند ولی در تفسیر بکر بینشان اختلاف وجود دارد. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۶۷/۱) اکثر فقهای امامیه گفته‌اند که اگر زانی بکر باشد یعنی همسری دارد و با او نزدیکی نکرده است بر او یک‌صد ضربه تازیانه و یک‌سال تبعید از شهرش به شهر دیگر و تراشیدن موی سرش واجب است.

رضایت مرتکب زنا شود، مستحق حد نمی‌شود چون زن در واقع فعلی انجام نمی‌دهد و از باب مجاز به او زانیه گفته می‌شود.

در فقه جزایی اسلام برای جرم زنا مجازات‌های متعددی تعیین شده است که در بین فقهای مذاهب خمس در تعیین نوع حد برای مرتکب زنا اختلاف نظرهایی وجود دارد که مبنای این اختلافات استناد به اطلاقات آیات و روایات مربوط به بحث و برداشت‌های مختلف فقهای اسلامی از این ادله می‌باشد.

فقهای اسلامی در ارتباط با تعیین مجازات برحسب خصوصیات مرتکب به فعل زنا در فتاوا و ایشان تحقق شرایط احسان را مد نظر داشته‌اند. البته در وجود یا عدم برخی از شرایط تحقق احسان مانند شرط مسلمان بودن زانی، بین فقهای اسلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد. بین فقهای امامیه در تحقق احسان مسلمان بودن شرط نیست ولی بین فقهای اهل سنت از شروط تحقق احسان است.

بین فقهای اهل سنت فقهای حنفیه بیشترین اختلاف نظر را در انواع حد زنا با فقه امامیه دارند که ناشی از ویژگی فقهی این مذهب است. ابوحنیفه با صراحت و بی‌باکی فتوا می‌دهد و تسامح و اغماض از خصایص فتاوی ایشان می‌باشد. چنانچه در زنا با محارم فتوای منحصر به فرد ایشان قابل تأمل است به این صورت که اگر زانی مادرش را به عقد خود در آورده و سپس با او نزدیکی نماید، مستحق حد زنا نمی‌شود هرچند چنین عقده فاسد است. جز ابوحنیفه هیچ یک از مذاهب اهل سنت چنین فتوایی نداده‌اند.

با بررسی مفصل دیدگاه‌های فقهای مشهور متقدم و متأخر همچنین فقهای معاصر امامیه و بررسی دیدگاه‌های اختصاصی فقهای مذاهب اربعه در خصوص ادله اثبات حد زنا و انواع حد نزد ایشان و تطبیق هر دو دیدگاه این نتیجه حاصل شد که با وجود اختلاف نظرهای ظاهری که به دلیل اطلاقات آیات و روایات مربوطه بین فقهای امامیه و فقهای

عدم ثبوت مجازات تعزیر بر زن می‌باشد. آنان مجازات تعزیر را مختص مردان می‌دانند بلکه برآن اجماع نقل شده است. (جبی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴/۳۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۵/۳۶۸) از نظر فقهای مذاهب اربعه جمع بین دو مجازات تازیانه و تبعید با نزول آیه «الزانیه و الزانی» نسخ شده است. از دیدگاه شافعی و حنبلی جمع بین تازیانه و تبعید بر مرد واجب است. از نظر این فقها تبعید هم حدی است مانند حد جلد چون بر اعتبار آن نص صریح وجود دارد.

از نظر مالک، وجوب مجازات تبعید بر مردان جعل شده زیرا زن باید حفظ و نگهداری شود. این کار در صورت تبعید او ممکن نبوده بلکه در صورت تبعید باید یکی از محارمش همراه او باشد. اصلاً تبعید زن بدون همراهی محارمش جایز نیست. زیرا پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «لا یحل لامراه تؤمن بالله و الیوم الآخر أن تسافر مسیره یوم و لیله، إلا مع ذی محرم» بر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد مسافرت بدون همراه داشتن محرم حلال نیست.

از نظر شافعی و مالکی تعزیر مجازاتی واجب برای هر یک از مرد و زن است. علاوه بر این، فقهای اهل سنت در ماهیت تعزیر اختلاف نظر دارند. مالک و ابوحنیفه گفته‌اند که معنای تعزیر حبس است. پس زانی در شهری که مرتکب زنا شده برای مدتی که بیش از یک سال نیست حبس می‌شود. و از نظر شافعی و حنبلی معنی تعزیر این است که زانی از شهری که مرتکب زنا شده به شهر دیگری تبعید می‌شود. (جزیری، ۱۴۰۶: ۵/۶۵)

نتیجه‌گیری

در فقه امامیه و اهل سنت مسأله حرمت زنا به‌طور یکسان شامل مرد و زن می‌شود که با محقق بودن شرایط زنا در زانی و زانیه، هر دو مستحق حد زنا می‌شوند و نوع مجازاتشان هم با توجه به محسن یا غیرمحسن بودنشان تعیین می‌شود. فقط فقهای حنفیه نظری مخالف داشته و معتقدند زن حتی اگر با

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی می‌باشد.

اهل سنت مشاهده می‌شود، در بسیاری از موارد بین فقهای خمسه اتفاق نظر وجود دارد.

با این حال، از نظر فقهای اهل سنت، مجازات سنگسار مخصوص زن محصنه که مرتکب زنا با غیر محصن شده است بوده و جمع بین سنگسار و تازیانه برای صورتی است که زانی و زانیه هر دو محصن باشند که دلیلشان روایتی از پیامبر (ص) است که مورد قبول فقهای امامیه نیست.

فقهای امامیه در حد تازیانه و تبعید و تراشیدن سر برای زناکار غیر محصن اتفاق نظر دارند. ولی فقهای اهل سنت در تعیین این مجازات به عنوان حد اختلاف نظر وجود دارد اکثر ایشان تبعید یا حبس و تراشیدن سر را تعزیر دانسته‌اند. از نظر شافعی و مالکی تعزیر مجازاتی واجب برای هر یک از مرد و زن است، در حالی که فقهای امامیه و دیگر فقهای اهل سنت تبعید و تراشیدن سر را مختص مرد می‌دانند نه زن.

فقهای اهل سنت در ماهیت تبعید (تعزیر) اختلاف نظر دارند. مالک و ابوحنیفه گفته‌اند که معنای تبعید حبس است، پس زانی در شهری که مرتکب زنا شده برای مدتی که بیش از یک سال نیست حبس می‌شود و از نظر شافعی و حنبلی معنی تبعید این است که زانی از شهری که مرتکب زنا شده به شهر دیگری تبعید می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده نخست و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط سایر نویسندگان این مقاله صورت گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد سوم، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۴). *من لا یحضره الفقیه*. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن براج طرابلسی، قاضی سعد الدین ابوقاسم عبدالعزیز (۱۴۰۶). *مهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حزم اندلسی، علی بن أحمد بن سعید (۱۴۰۸). *المحلی بالآثار*. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷). *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا). *المغنی و یلیه الشرح الکبیر*. جلد دهم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بیهقی، احمد بن الحسین بن علی (۱۳۵۴). *سنن کبری (سنن البیهقی)*. جلد هشتم، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (بی تا). *سنن ترمذی (الجامع الصحیح)*. جلد چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. جلد چهاردهم، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا). *روضه البهیة فی شرح اللمعہ الدمشقیة*. جلد سوم، قم: دار العالم الإسلامی.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶). *الفقه علی المذاهب الأربعة*. جلد پنجم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حصری، أحمد (۱۴۱۳). *سیاسة الجزائیة، الحدود و الأثریه*. جلد دوم، الطبعة الثالث، بیروت: دار الجیل.
- حلبی، تقی الدین نجم الدین (۱۴۰۳). *کافی فی الفقه*. اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حلی هذلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). *جامع للشرائع*. قم: مؤسسه سیدالشهداء.
- خوانساری، سید أحمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*. جلد هفتم، چاپ دوم، قم: مؤسسه إسماعیلیان.
- سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶). *مبسوط*. جلد نهم، بیروت: دار المعرفه.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۱۴). *مراسم العلویة فی الأحکام النبویة*. قم: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام.
- طبرسی (محدث نوری)، حسین (۱۴۰۷). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد هجدهم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰). *نهایه فی مجرد فقه و فتاوی*. بیروت: دار الکتب العربی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸). *الوسیله إلی نیل الفضیله*. قم: مکتبه آیه.

- عکبری البغدادی (شیخ المفید)، محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۳). المقنعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۲). *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*. جلد پنجم، چاپ اول، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- قرطبی (ابن رشد)، محمد بن احمد (۱۴۱۵). *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*. جلد دوم، بیروت: دارالفکر.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید (۱۳۹۵). *سنن ابن ماجه*. جلد دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- کاسانی، علاء الدین (۱۴۰۹). *بدایع الصنایع*. جلد هفتم، پاکستان: المكتبة الحبیبه.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: مؤسسه إسماعیلیان.
- مقدّس اردبیلی، أحمد بن محمد (۱۴۱۶). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. جلد دوازدهم، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال‌الدین (۱۴۱۰). *اللمعه دمشقیة فی فقه الامامیه*. بیروت: دار التراث الاسلامیه.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷). *فقه الحدود و التعزیرات*. جلد اول، چاپ دوم، قم: جامعه المفید.
- موسوی خمینی (امام خمینی)، روح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، نجف: مطبعة الآداب.
- موسوی خوئی، أبو القاسم (بی‌تا). *مبانی تکملة المنهاج*. جلد اول، بیروت: دار الزهراء.
- نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۵). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد چهل و یکم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.